

مهدی یاور گرامی! قسمت های مهمی از مطالب (که در این جلسه مطرح شده) را به صورت دسته بندی می توانید ملاحظه بفرمایید.

اندیشه مهدویت و آسیب ها

**مدعیان دروغین**

مهدویت هم حرف از امروز داره، هم حرف از آینده: مثلا درباره ی آینده میگه: یرثها عبادی الصالحون / و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض / من بعد خوفهم امنا / یعبدوننی و لایشرکون بی شیئا / یملأ الله به الارض قسطا و عدلا...

آینده رو بررسی کنیم، پیش گویی نه، دو دو تا چهار تای عقلیه : مثلا شما راننده ای رو می بینید که بسیار سریع و خطرناک رانندگی می کنه، خیلی راحت می توانید آینده نگری کنید و بگویید که ...

این مدل مدیریت جهان، مانند فنری ست که همین طور داره لحظه به لحظه فشرده تر می شه و نهایتا می پَره! سالها که گذشته دشمن ما ضعیف تر شده و ما قوی تر شده ایم. دشمن همانند دست روی فنر است که خسته و ضعیف شده و عموم مردم مانند فنری که انرژی پرتابش بیشتر شده...

این مدل مدیریت جهان: یا جاهلانه است : یه مساله ای رو می خواد درست کنه لایه ازون سوراخ میشه

یا عامدانه است : شخصی می دونه بمب هسته ای چه فساد و هلاکتی به بار میاره، اما کار را انجام میده

اقتصاد جهان به تمام معنا در حال زواله!

گورپاچف رهبر شوری قبل از فروپاشی درباره جنبش وال استریت گفت: آنچه من الآن می بینم شبیه به آنچیزی ست که در شوری قبل از فروپاشی اتفاق افتاده بود، و نظام سرمایه داری رو به افوله...

یا اینکه چه اتفاقی میفته که گاندی میاد هندوستان رو از چنگال انگلیس نجات میده

بعضی افراد به صراحت می گویند: لیبرال دموکراسی به شکست رسیده، نه اینکه خواهد رسید!

در آینده قطعا ظلم نمی ماند و عدالت عالم رو فرا خواهد گرفت؛ این محاسبه است.

اگر یک شیعه رو از 200 سال پیش برداریم (من نمی گم 400 سال پیش که بریم قبل از صفویه) و بگذاریم اینجا، از شوق جان میده (جوانان هندی، آخوند چینی دات کام، خانم ژاپنی، ادواردو آنیلی، ماشا الیکینا، مساجد متعدد فعال در کشورهای دیگه، توزیع 5 میلیون قرآن در آمریکا، در نیویورک یکشنبه ی قبل از عاشورا...)

این یک واقعیته که: اگه آینده اینگونه که محاسبه می شود است، قطعا آینده برای غیر مهدویون نگران کننده است.

تا اینجا بحث از آینده بود: در همه ی ادیان اشتراکات زیادی درباره ی آینده مطرح شده: (شایستگان وارث زمین می شوند، ظلم از بین میره، در آینده شریران از بین خواهند رفت و ...)

سخن دیگه مهدویت، حرف از امروز است.

میگه من امروز امامی دارم، که فلان تاریخ به دنیا آمده، نام پدر و مادر بزرگوارش مشخص و معلومه، اون قابله ای که هنگام تولد حضرت، حضور داشته معلومه، اونهایی که بعدا ایشون رو روی زانوی پدرشان دیدند معلومند، اونهایی که از گوشت عقیقه تولد حضرت خورند معلومند، اونهایی که مامور شدند گوسفند قربانی کنند مانند احمد بن اسحاق قمی معلومند. اونهایی که در طول تاریخ خدمت حضرت رسیدند (بله، صدتاش دروغ، اما 10 تاش 20 تاش که راست و حقیقته) اینها معلومند، در شرق و غرب و حج و غیره... معلومند/ اینها رد پای این بزرگواره. جریان کوههای آخن آلمان، علامه جعفری/جوان دانشجو درفرانسه

نگاه مهدویت شیعی فقط حرف از آینده نداره، همین امروز هم حرف داره:

میگه امروز، امام من حاضره، ناظره، امروز من امام دارم که «لو کَمُلَتِ العِدَّه» قیام خواهد کرد ...

این دو خطر نسبت به کشور که گفته شد، نسبت به عقیده هم هست و زمانی دشمن خارجی موفق است که از داخل سستی ببینه! مهدویت در این باره جزو مسائل مهم و مورد تهاجم غیرمهدیون هست.

قطعا این دو خطر در جریان ماست: خارجی: کسانیکه رسما و علنا امام زمان رو دروغ معرفی می کنند

داخلی: کسانی که خودشون رو نزدیک تر از همه به حضرت مهدی می دونند: دانه درشتش علی محمد باب، یا همین عمامه های انگلیسی و آمریکایی و ...

مثل اینکه هر کشوری رو دو خطر داخلی و خارجی تهدید می کنه...

خطرهای خارجی ها: مهدی ستیزانند / خطرهای داخلی ها: آسیب هاست

**یکی از آسیبها «ادعای ارتباط» با حضرت مهدی ست!**

میگه ما هر هفته آقا رو می بینیم ... اینها قطعا دروغ می گویند.

بله ما اصل دیدار رو نفی نمی کنیم؛ افرادی بوده اند در طول تاریخ که آقا رو دیدار کرده اند، تشرف داشته اند. اینقدر موارد متعدد از بزرگان نقل شده که نمیشه گفت همه اش دروغه، اما موارد متعددی هم بوده که ساختگی و دروغ بوده! بازار و دکان باز کردند بعضی! به دیدار و ارتباط اختیاری اصلا اعتماد نکنید...

آقای عرفانیان نامی بود اطراف کرج، سجاده می انداخت برای امام زمان، اواخر کارش هم دو تا انداخته بود، یکی اش برای امام حسین، مردم هم بعضا می ایستادند پشت سرش نماز می خوندند...

یه آقایی بود به نام کاظمینی: عمامه بزرگی می بست... نسخه می داد: نانوایی ... بیمه وسیله...

شمع فروزنده چو پنهان شود شب پره بازیگر میدان شود

یاسوج یه نفری بود پاکت نامه می گرفت با خودکار سبز جواب نامه می داد:

طرف می نوشت: من 10 سال نماز قضا دارم، چه کنم؟ می نوشت: 10 بار بگو یاالله

نسخه می پیچه خلاف آیات قرآن!! مهندس معماری بود، البته اخلاص هم داشت پول نمی گرفت!

یکی از آسیبها اینه که عده ای بساط پهن می کنن و مدعی ارتباط میشن که این مدل مسائل رو حتما به مراکز مربوطه تماس بگیرید تا جلوی این مدل آسیب ها گرفته بشه.

**مگه کاری هم از دست ما بر میاد؟**

هر کشوری با دو خطر و تهدید رو به روست: خطر خارجی / خطر داخلی

خطر خارجی مربوط به خطراتی ست که خارج از مرزها برای کشور، تهدید به شمار می روند.

خطر داخلی: کسانی که داخل آن کشور و حالت شهروندان آن به حساب می آیند، حالت نفاق دارند و نفوذی اند. اینها آسیب می شود...

یکی از آسیب ها : برداشت غلط از معنای انتظاره، یکی دیگه از آسیب ها هم اینه که میگن ما کاری ازمون بر نمیاد! حالا من نمی خواد از انتظار، درجه، مراتب و یا عیارش بگم

می خوام بگم ما چه کاره ایم؟ آیا واقعا می تونیم نقشی در ظهور داشته باشیم؟

در این باره دو مدل نظریه داریم: 1- مردم هیچ نقشی ندارند: اینهایی که این نگاه رو دارند استدلال می کنند به «اللهم عجل لولیک ... لاحول و لاقوة الا بالله... و نرید ان نمن علی الذین ...» 2- یک نظریه هم میگه مردم کاملا نقش دارند اما تحت اراده و سنن الهی

حالا پاسخ چیه؟

اول یه مثال تقدیم کنم: آیا اینکه در قرآن می گه «یهدی من یشاء و یذل من یشاء» یعنی جبر؟ / مثال فراخوان جهت جذب دانشجو ...

حالا جواب رو عرض کنم: 1- خداوند همه رو هدایت ابتدایی میکنه 2- خداوند سنت و اصولی داره: عالم، عالم حساب کتابه، عالم اسباب و علل، عالم علت و معلول، همه چی زیر ذره بین خداست

3- از تو حرکت از خدا برکت رعد 11 انفال 53 : اگر کسی پشت به خورشید کرد قطعا تاریکی خواهد دید

در کتاب سخنان امام حسین از مدینه تا کربلا نوشته ی مرحوم محمدصادق نجمی، اونجا داره که: وقتی عبدالله بن عمر میاد در مکه با امام حسین صحبت کنه، سینه ی امام رو می بوسه و میگه من از جدت شنیدم شما شهید می شی و گریه می کنه... در آخر هم امام رو کمک نمی کنه و پا میشه میره!

امام حسین در مسیر راه، جریانِ بُریده شدن سر یحیی برای زن بدکاره و سکوت و بی توجهی مردم، یا کشته شدن 70 پیامبر بنی اسرائیل... یعنی عبدالله بن عمر! فکر نکن اگه تلاش نکنی، اگه حرکتی نکنی، خدا خودش دست به کار میشه و همه چیز رو اصلاح می کنه، اِتَّقِ اللّه بترس از خدا و ما رو یاری کن.

این سنت خداست:

که از تو حرکت از خدا برکت!

از تو زمینه سازی از خدا ظهور!

حضرت مهدی هم دشمنانی داره و خواهد داشت که آنها قطعا به خاطر منافع خودشون در مقابل حضرت صف آرایی خواهند می کنند.

لا یکلف الله نفسا الا ما وسعها، ما اگه نمی تونیم همه ی دنیا رو اصلاح کنیم، معناش این نیست که دیگه هیچ وظیفه ای نداریم، باید به مقدار توان و وسع خودمون تلاش کنیم.

وقتی برف سنگین می باره مردم سه دسته میشن: 1- این برف رو پارو کردن وظیفه ی شهرداریه، 2.. 3..

یکی از اهداف امام زمان عدالت اجتماعی است، ما حد اقل نمره کوچکی در این عالت را پیاده کنیم تا وقتی آقا آمدند یک پله بالاتر را از عدالت پیاده کنند. چون امام زمان که محدودیت نداره که، او تجلی و آیینه اسما و صفات خداست.

وقتی بگوییم مردم وظیفه ای ندارند و فقط کار دست خداست و بس، یعنی:

1- مشکلات جامعه روز به روز بیشتر میشه (چون جامعه میگن من نقشی ندارم) 2- ظلم ظالم بیشتر میشه 3- مردم نسبت به خدا و امام، طلب کار بلکه بی اعتقاد میشن (ما که کاره ای نیستیم، ظلم رو باید خدا ببره، ظلم بیشتر شد، تقصیر خدا بیشتر شد) نتیجه اینکه به جای اینکه سر ظالم پرخاش کنم و به ظالم سیلی بزنم، سیلی و فریادمون به سمت خداست. حالا یا محترمانه: پر فاطمه ما رو فراموش کرده، یا بی ادبانه: کی گفته هست؟ اگه وجود داشت که کمک می کرد!

فَلا ظُهُورَ الا بعد اذن الله : اذن ظهور با خداست نه حرکت ها و ...

مثال: ما برای گرفتن یه گواهینامه...

معجزه داریم اما بنا بر معجزه نیست

برای اصحاب بدر خدا می فرماید ما اینها را با هزاران فرشته مردفین، ردیف ردیف فرشته، کمک کردیم، ما اینها رو با هزاران فرشته مسومین، فرشته های ویژه، گارد ویژه، فرشته های نشانه دار کمک کردیم، اما همین یاران در جنگ احد به دنبال غنیمت رفتند، دندان مبارک رسول خدا شکسته شد! جلوی چشم اینها

(این قانون خداست = ان عدتم عدنا) اگه برگردید ما هم برمی گردیم

یا می فرماید: ان الله یدافع عن الذین آمنوا

حضرت موسی به یارانش گفت: بیایید کمک من، گفتند: فاذهب انت و ربک فقاتلا... تو و خدا برید بکشید ما اینجا نشسته ایم! خدا نه تنها اینها رو کمک نکرد که 40 سال عذاب شدند (این سنت خداست)

از بعضی که مصاحبه می گیری که چه کنیم برای ظهور:

بیشترشون از دعا و اجتماع میزنن :

1- اولا دعا و اجتماعات مقدمه است، گرچه خیلی مهمه اما نباید در مقدمه ماند. 2- ثانیا قوم بنی اسرائیل و اون اجتماع که با پیامبرشان رفتند برای دعای باران، باران گیر بود به توبه ی اون فرد / این یعنی تغییر و تحول درونی. 3- امام زمان نفرمودند اجتماع کنید، فرمودند: اجتماع قلوب؛ اجتماع قلب یعنی «توجه بی توقع»

مودة یعنی این : توجه بدون توقع/ سیجعل لهم الرحمان ودّا

بعد بعضی ها شعر می خونند که :

* ای معنی انتظار یک لحظه بایست / دیوانه شدم به خاطرت کافی نیست / برگرد و نگاهی کن و یک جمله بگو / تکلیف دلی که عاشقش کردی چیست؟
* الا ای راز هستی ناز هستی کی میایی / دل ما را زهجرانت شکستی کی میایی

نه، باید اینطور گفت:

* آن شه موزون جهان عاشق موزون طلبد / شد رخ من سکه ی زر تا که به میزان برسم / هیچ طبیبی ندهد، بی مرضی حَب و دَوا / من همگی درد شوم، تا که به درمان برسم
* عاشق و معشوق یکرنگند حتی در فراق / کیست عاشق تا که با ما رو به این صحرا شود

حضرت امام، دیماه سال 62 فرمودند: «با فقط نشستن و تسبیح به دست گرفتن و عجل علی فرجه گفتن که تعجیل نمیشه» باید یک اقدام عملی داشت، یک حرکتی داشت...

10 هزار تومان بخواهیم با صرف دعا خونی و چله گرفتن نمیاد تو جیبمون، بعد چطور توقع داریم ظهوری با اون همه برکت، همینطوری بدون زحمت به دست بیاد...

بله، این سنت خداست (از تو حرکت، از خدا برکت)

**گسترش ظلم**

هر کشوری با دو خطر و تهدید رو به روست: (توضیح مختصر از خارجی ها و داخلی ها)

خطر خارجی / خطر داخلی (آسیب ها)

یکی از آسیبها اینه که بعضی میگن باید ظلم رو گسترش بدیم تا امام زمان بیاد و تنها استدلالی هم که میکنن این روایته که : یملا الله به الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا.

این روایت داره ملئت ظلما، نیامده ملئت ظالما...

مثال دود / الان عالم پر از ظلمه

روایت داریم:

1- در آخرالزمان عده ای سعید و سعادتمند و عده ای شقی و بدبخت...

2- سوزن ظالم رو نخ نکنید

(( بنی آدم بنی عادت ))

قرآن چی میگه: توبه 112، هود آیه 116

آیینه شو جمال پری طلعتان طلب جاروب زن خانه سپس میهمان طلب

الجنس مع الجنس یَمیلوا : نوریان مَر نوریان را طالبند (مشابهت بین عاشق و معشوق کو؟)

شیر را بچه همی ماند به او تو به پیغمبر چه می مانی؟ بگو

زمینه سازان ظهور حضرت عدل، زمینه سازان ظهور امام مهربانی، امام پاکی ها، امام زیبایی ها کیایند؟

کبوتر با کبوتر...

یه مثالی خدمت تون عرض کنم: اگه یکی شما رو دعوت کنه: غذاش؟ جا و مکانش؟ اعضا و افراد اونجا؟

فرض بگیریم که روایتی بیاد بگه ظلم کن، فاضربوا علی الجدار... ما هیچ جای قرآن نداریم بگه ظلم کنید

حضرت مهدی فرمودند: شیعیان ما عاقبت خوشی دارند مادامی که از گناه دوری کنند. میزان الحکمه

آن شه موزون جهان عاضق موزون طلبد شد رخ من سکه زر تا که به میزان برسم

**تحلیل قیام های قبل از ظهور**

استناد می کنند: روایت داریم: هر قیامی قبل از قیام قائم علیه السلام باطل است... یا کسی که قیام کنه مثل جوجه ای که در خیابان رها میشه سرگردان میشه و بازیچه دست بچه ها میشه.

پاسخ:

* زمان صدور این مدل روایات، بعد از شهادت امام حسین علیه السلام است، مثلا ما از امام سجاد در این زمینه روایت داریم. گویا اهل بیت هر قیامی را بعد از عاشورا تا ظهور حضرت حجت، باطل معرفی کرده اند! پس فقط مربوط به دوران غیبت امام زمان نیست.
* ما باید شرایط صدور روایت را بدانیم. گاهی جمله ای را از روی تقیه بیان می کردند. گاهی کسانی از امام صادق سئوال می کردند و زراره یا اصحاب نزدیک تر می فهمیدند که امام به آنها جواب سربندی و یا تقیه ای گفته اند تا وی راضی بشه و برود.
* ما دو مدل روایت درباره قیام داریم: برخی قیام رو نفی میکنه – برخی قیام رو تایید میکنه

مثال برای روایت نافی قیام: ابومسلم خراسانی قیام می کنه، شعارش رو هم میذاره رِضانا رِضا اهلُ البیت، عده ای زیادی هم با او همراهی می کنند، عده ای پیش امام صادق می آیند و می گویند باید ابومسلم رو یاری کنیم چرا که در مقابل بنی امیه ایستاده، حتی به امام می گویند: شما تاکتیکی هم که شده یاری اش کنید. امام می فرمایند: او به ما کاری نداره ما هم بهش کاری نداریم. حتی ابومسلم برای امام نامه می نویسه، پیک وایستاده و منتظره تا امام جواب نامه را بدهند. امام می فرمایند آن چراغ رو نزدیک بیارید، و اون نامه رو می سوزونند.اون پیک و فرستاده میگه: آقا جواب نامه چیه؟ می فرمایند: دیدی که، جواب همینه، برو بهش بگو. یعنی امام اون قیام رو به هیچ عنوان قبول نمی کنه.

* گاهی قیامها باطل و کورکورانه انجام می شد. مثلا: به خاطر ضعفی که بر بنی امیه وارد شده بود، هر مدت کوتاهی که می گذشت یک گروه خودسرانه و کور کورانه قیام می کردند، فضای جامعه هم خراب شده بود با این قیام های متعدد. امام فرمودند بدون بصیرت قیام نکنید، مثل جوجه، بازیچه ی دست بچه ها میشید...
* از اون طرف هم مواردی داشتیم که قیامی صورت گرفته و مورد تایید اهل بیت بوده:

جریان زید النار، برادر امام رضا علیه السلام و قیام زید بن علی بن الحسین که امام بهش می فرمایند: تو شهید میشی، حتی برایش گریه می کنن، زید پسر امام سجاد علیه السلام، با توجه به اینکه خبر شهادتش رو از امام می شنوه، با این حال وداع می کنه قیام میکنه...

لَوظَفَرَ لَوَفی؛ اگر هم پیروز می شد به عهدش وفا می کرد

روایت داریم امام صادق علیه السلام فرمودند: مردی از قم بر می خیزه، افرادی با او همراهی می کنند که همانند پاره های فولادند ،حوادث مختلف اینها را از میدان به در نمی کنه، و در آخر امام می فرمایند: و العاقبة للمتقین.

یا امام جواد علیه السلام فرمودند: مردمی از مشرق بر می خیزد که حق را طلب می کند اما به آنان حق را نمی دهند – در ادامه روایت می فرماید – قَتلاهُم شُهَداء، کشته های ایشان شهیدند.

اگر قیام مورد قبول نباشه که امام نمی فرمایند: کشته هاشون شهیدند، امام آخرت اینها رو تضمین میکنه

کتاب دادگستر جهان: آیات متعددی در قرآن داریم که دستور به جهاد داده، همین نشون از اینه که اصلِ قیام و مقاومت در برابر مستکبرین، مورد تایید خداست. بنابراین قیامی مورد تاییده که « با برنامه ریزی دقیق باشه + رعایت نکات الهی+ و در نهایت در صورت پیروزی، آمادگی تقدیم کردنش به امام معصوم»

عقل هم همین رو حکم می کنه؛ هر کسی میدونه برای تحقق زمینه های حکومت عدل جهانی، نیاز به قدرت شدن و تجهیز شدن، توسط مسلمین وجود داره

آیا این فرصتی که به برکت خون هزاران جَوون ایجاد شده مورد تایید اهل بیت نیست؟ پس قدمگاه ابالفضل العباس چیه؟ قدمگاه حضرت زهرا چیه؟ توجه امام زمان برای چیه؟ دستگیری اهل بیت چرا؟ برونسی ها، همت ها، جهان آرا، باکری، کاوه ها، محمودوند، متوسلیان ها، رجایی، بهشتی، دکتر چمران، مرتضی مطهری، اگه اینها مورد تایید خدا نباشند پس کی مورد تاییده دیگه؟ جوانهایی که از جاده چالوس و کیف و کوک شون گذشتند، از ارث باباشون گذشتند، از کیف و حال و لب دریا قدم زدن ها گذشتند، از ثروت و شهرت و پز مال و اموال گذشتند...

علامت موجود زنده اثر گذاریشه، شلمچه، طلاییه، فکه، اروند، دهلاویه، هویزه، جزیره مجنون، شرهانی، این خاک چرا اینقدر اثر گذاره؟! آیا مورد تایید نیست؟ هر چه داریم از کارخانه ها و انتشارات ها و چاپ کتاب های مفید، کانون ها و مساجد، کارگاه ها و پارک و آرامش و امنیت اینها همه به برکت خون شهداست و هر چه نداریم یا هر چه کم داریم یا هر چه خراب کردیم، ما خراب کردیم! و اونهایی که تقصیر دارند حتما باید پاسخگو باشند. از پسِ امروز، فردایی هم هست!

آقا مصطفی احمدی روشن ها، تهرانی مقدم ها، کاظمی آشتیانی ها ...

این مجالسِ ذکر، با این عظمت، این هیات ها و مراسم نورانیِ باشکوه، اینها همه به برکت خون پاک شهداست ...

جهت جمع بندی عرض کنم: اتفاقا طبق برخی آیات قرآن و روایات،هر قیامی رد نیست و اتفاقا گاهی سکوت و بی تفاوتی، نشانه ی تایید ظلم و ظالمه، و همونطور که قیام کنندگان باید پاسخگو باشند، سکوت کننده گان هم باید پاسخگو باشند...

**نداشتن نگاه جامع (عدم بصیرت)**

میگن طرف "کلو و شربوا" را می گفت "و لاتسرفوا" را نمی گفت.

یا تو نماز جماعت شرکت نمی کرد که: ان الصلاة تنهی

یا اونی که دیگه نوبرش رو آورده بود، نماز نمی خوند می گفت قرآن میگه: لاتقربوا الصلاة، اصلا نزدیک نماز نشید

لا الهَ شرکه، لا اله الا الله

افرادی روایات رو فقط ترس و جنگ و خونریزی دیدند، و بخش صلح و مهر امام رو ندیدند، یا بعضی که فقط خوانده اند که عالَم باید پر از ظلم بشه اما درباره ی یاران صالح نخوانده اند

من اگه یه روایتی دیدم حق ندارم بگم پیام روایات اینه، باید بگم پیام این روایت اینه، اگر یک آیه ی قرآن دیدم حق ندارم بگم آیات قرآن کریم... باید بگم در این آیه ی قرآن

نباید جزیره ای و غیر کارشناسی به آیات و روایات نگاه کرد، باید اهلش نظر بدهند

یکی از آسیب هایی که بخاطرهمین نگاه جزیره ای اتفاق می افته، افراط وتفریط درمعنای مهر و قهر امامه، بعضی قهرانه معرفی می کنند و روایاتی دروغین که شایسته ی خودشون است رو به امام نسبت می دهند، پیامبر اسلام و امام مهدی رو سَنبل خشونت معرفی می کنند، خون تا رکاب حضرت بالا بگیره... آیت الله مکارم فرمودند... در صورتی که در آیات و روایات همچنین چیزی نداریم: لیبدلنهم من بعد خوفهم امنا، او میاد، امنیت رو گسترده میکنه

باغ رو ببین، باغبان خار را می کشد از زمین، بکشد یا نه؟ باغ برای پرورش گل است...

آنچه باید حذف شود غده های سرطانی اند، هر بیماری ای رو با تیغ جراحی درمان نمی کنند

تیغ البته لازمه اما آخرین راهه / ضمن اینکه بیشترِ کشته ها قبل از ظهوره

از طرفی دیگه بعضی متاسفانه امام را صرفا احساسی بیان می کنند، میگه امام زمان میاد و همه رو می بخشه، حتی زمان امام باقر یه کسی آمد خدمت ایشون گفت: ما شیده ایم وقتی حضرت مهدی بیاد به اندازه خون حجامت هم خون ریخته نخواهد شد و یا به اندازه ی خون بینی هم خون نخواهد آمد امام که بیاد اراده می کند و عالم رو اصلاح می کند، امام باقر علیه السلام فرمودند: چنین نیست، اگر چنین بود زمان پیامبر چنین می شد و دندان مبارک پیامبر شکسته نمی شد!

بعد در ادامه فرموند: حتی نَمسَح نحنُ و انتم العرقَ و العلَق؛ ما و شما عرق و خون را با هم پاک می کنیم، حالا یا به معنای خون جراحت خودم هست، یا رفیقم که در بقل من مصدوم و یا شهید میشه

والعرق: یعنی عرق ریختن و از خستگی روی زین ها به خواب افتادن...

جمع بین روایات: امام رضا فرمودند امام پدری مهربان، دلسوز تر از مادر است

حضرت علی علیه السلام فرمودند: برای آن زن ذمیه غیرمسلمان که جواهراتش رو دزدیدند و کسی هم کمکش نکرد، فرمود: اگر انسانی برای این موضوع بمیره «ما کان عندی ملوما، بل کان عندی جدیرا» شایسته ی ملامت نیست بلکه شایسته ی تحسین است

و یا «یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیما و اسیرا» اسیر: غیرمسلمانی است که در جامعه ی مسلمانان زندگی می کنه

حضرت علی در جای دیگه ای فرمودند: پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد (2 – 3 جا این جمله رو از حضرت داریم که گفته اند) امام باقر فرمودند: پدر و مادرم فدای مهدی باد! اسمش هم اسم منه و کنیه اش هم کنیه منه. امام صادق فرمودند: اگر من مهدی رو درک کنم همه ی عمر خدمتش می کنم. امام کاظم، حضرت رضا...

اگر هم جنگی صورت بگیره یقینا جنگ رو بر حضرت تحمیل می کنند

حضرت قطعا دشمنانی داره که آنها به خاطر منافع خودشون صف آرایی می کنند

حضرت ابتدای حرکتشون با اهل قرآن به قرآن، با اهل تورات به تورات، با اهل کتوبیم و نبوییم به کتاب خودشون، با اهل انجیل به انجیل، با هر کسی با کتاب خودشون استدلال می کنه که اینجا داریم عده ی جالب توجهی از ادیان وفرق دیگه به حضرت می پیوندند، بعد، اگر جنگ نظامی باشه نهایتا 8 ماه خواهد بود؛ بیشتر از 8 ماه طول نمی کشه و کل عالم تحت حاکمیت امام مهدی درخواهد آمد و مردم دولت کریمه ی الهی رو تجربه خواهند کرد

یکی دیگه از آسیب ها: **طرح مسائل غیر ضروری** است

ضروری یعنی:

 موضوعی که تو روایات، خیلی بر اون تاکید داره: من مات ولم یعرف ..

 یا موضوعی که در روایات خیلی تکرار شده: دستاوردهای حکومت پس از ظهور، مثل فراگیری عدل

 یا موضوعی که بسیار کاربردی است: چرا امام و راهنما پس پرده ی غیب قرار بگیره؟ چطور ظهور محقق میشه

غیرضروری یعنی: نیازی به طرح آن نیست و ویژگی های بالا را ندارد.

مثلا : امام زمان ازدواج کرده اند یا نه؟ / فرزند داره یا نه؟ تعداد بچه های حضرت چند تاست؟/ آیا خودشون زمان ظهور را می دانند یا نه؟

چاهی که حضرت یوسف رو انداختند چند متر بود؟ اینم سئواله اما برای من چه فایده؟ حالا پرسیدم و جوابش رو هم گرفتم، بعد چی؟ جریان یوسف می خواد بگی شاید یه کسی آقا زاده باشه اما با دلائل متعددی خیانت کنه، شاید یه کسی پسر پیغمبر باشه اما حسادت کنه و دستش به جنایت آلوده بشه! در قرآن میگه برادرای یوسف اونو به چاه انداختند، این کلی پیام داره، بالاخره هر کسی به نوعی شاید در مسیر زندگیش با چاه هایی مشابه چاه یوسف مواجه بشه، تو بندگی کن خدا خدایی بلده، خدای یوسف در چاه، خدای من و شما هم هست...

سئوالی بپرسیم که: یا مشکل فرد رو حل کنه/ یا مشکل جامعه رو حل کنه/ یا واجب یا مستحب باشه

**عجله و شتابزدگی**

عجولانه و زود قضاوت کردن، تا یه اتفاقی میفته:

 یا علامت سازی می کنند: ساخت گوساله ی سرخ مو

 یا شخصیت سازی می کنند:

 و یا فکر می کنند دیگه الان ظهوره

عجله در افراد و شخصیت ها / عجله در زمان / عجله در اقدام

آشیخ جوادآقای تبریزی از مراجعی که چند سال پیش از دنیا رفتند می فرمودند که: یه زمانی تو نجف بودیم یه عده ای می گفتند فلان روز، روز ظهوره، برو و بیا... حالا اون روز چه اتفاقی افتاده بود؟ جنگ جهانی دوم، چون یه حادثه ی بزرگی بوده لذا اینها می گفتند این دیگه ظهوره، اما ظهور نشد.

مثلا بیداری اسلامی اتفاق افتاده، خب این خیلی خوب و امیدوار کننده است ولی کسی حق نداره بگه دیگه چه شما بخواهید چه نخواهید همین الآن ظهوره...

ما باید شرایط رو فراهم کنیم، باید عیار یاری مون رو بالا ببریم، اگه این کار نشه و ظهور اتفاق بیفته، قسم حضرت عباس که خیلی از افرادی که گمان می کردیم در رکاب آقا باشند از رکاب ایشون خارج می شن روایته، یا به اصطلاح یخرجون فی دین الله افواجا میشه!

منِ نسل بعد از انقلاب اگر جنگ نبودم اما پای سفره ی خاطرات هشت سال دفاع مقدس نشسته ام، زمان جنگ خیلی عجیب بود وقتی شب عملیات می شد گاهی پیدا می شد بالاخره! که بعضی چنان عقب می کشیدند که رد پاشون تهران پیدا می شد...! بله؛ شرایط باید مهیا بشه، خدا با عجله ی ما عجله نمی کنه

در خطبه 168 نهج البلاغه حضرت امیر می فرمایند: ای برادران! من از آنچه شما می دانید بی خبر نیستم، اما با کدام نیرو؟! آیا آنچیزی که می خواهید توانایی دارید؟ (یعنی خودت هم باید کمک کنی، خودت هم باید همراه باشی)

نه اینکه بنی امیه رو سرنِگون کنیم بعد گوش به حرف امام صادق ندیم فقط بچسبیم به زندگی شخصی خودمون

مثال برای عجله در شخص:

زمانی که حضرت امام (ره) زنده بودند، یه آقای لبنانی می گفت: ایشون سید خراسانی است، اما چی شد؟ صد حیف که آن رفت، صد شکر که این آمد... یا بعضیا دارند مصداق سازی می کنند، که فلانی سید خراسانی، فلانی سید یمانی، فلانی سفیانی... نداریم، هیچ تضمینی بر اینها نداریم، دوست داریم باشن اما هیچ تضمینی بَرش نداریم...

امام در صحیفه فرمودند : «ما امیدوارم این پرچم را به دست صاحب اصلیش برسانیم» بله این امید لازمه و باید هم باشه، اما ما امیدواریم، امیدوار بودن به معنای تحقق نیست که!

عجله در اقدام:

اقدام و عمل خوبه اما چه کاری؟ چه عملی؟ آیا اینکه امام زمان رو دوست داریم باید دست به هر کاری بزنیم؟ کسانی در یکی از کلان شهرها می گفتند: «باید یک خیابونی به نام جاده ی امام زمان دُرست کنیم، و او رو به هر زوری شده بیاریم مگه دست خودشه که نیاد!» اینجا واقعا جاداره بگیم خدا عقل بده

شرایط ظهور یعنی بریم به سمتِ تسلیم شدن در برابر حق، چه به نفع مون بود چه ضرر

شرایط ظهور یعنی پُست و مسئولیتی که از پَسش بر نمیام رو قبول نکنم و یا اگه مسئولیتی دارم که کسی بهتر از من وجود داره به او واگذار کنم

شرایط ظهور یعنی نژاد پرستی رو کنار گذاشتن، یعنی هر چی برای خود می پسندم برای بقیه هم بپسندم، شرایط ظهور یعنی دیگر خواهی، بقیه هم آدمن به خدا، الجار ثم الدار

آسیب دیگه وقت تعیین کردنه: نه تنها امروز بلکه در گذشته هم این آسیب بوده و نه تنها ایران بلکه جاهای دیگه هم بوده: بعضی غربی ها در این زمینه ید طولایی دارند:

21 دسامبر 2012 رو می گفتند پایان تاریخِ ه / خب چی شد؟!

1994 – 1999 – 2000 رو می گفتند کامپیوترها صفرها رو نمی شناسه و قاطی می کنه

2004 – 2007 – 2010 – 2012 هم که کلی بعضی رو به بازی گرفتند! دیگه دروغگوی دیگه، هر چی می خوای بگو، البته بعید هم نیست که روی 2012 یه برنامه ای هم توی آستین شون داشته بودند

انواع وقت تعیین کردن (که همه اش، اشتباه و غلطه)

 قطعی دقیق: مثل همین 21 دسامبر 2012 – یا مثلا کسی بگه قطعا سال 1400 ظهوره

 قطعی حدودی: از انقلاب اسلامی تا ظهور به اندازه ی عمر یک انسان بیشتر طول نخواهد کشید

 احتمالی دقیق: احتمالا سال 1400 ظهوره

 احتمالی حدودی: احتمالا در طول دوران عمر شما ظهوره

در بعضی روایات داریم: ما اهل بیت برای ظهور وقت تعیین نمی کنیم و هر کسی هم که تعیین کرد دروغ میگه... ما هیچ دلیلی بر این وقت هایی که تعیین میکنه نداریم.

کلیپی که از آیت الله ناصری حفظه الله منتشر شد... آیت الله ناصری از آیت الله بهجت می پرسند چه خبر؟ ایشون می فرمایند: یه نفری که ظاهرا گاهی خدمت حضرت صاحب تشرفاتی داره، آیت الله بهجت از او پرسیدند که آیا جدیدا تشرفی داشته اید یا نه؟ گفت: بله، که امام زمان به او گفته بودند: پیرمرد تر از شما هم ظهور رو خواهد دید. آیت الله ناصری از آیت الله بهجت می پرسند که او چند ساله بود؟ ایشون فرموده بودند: 62 یا 63 ساله.

1. شاید منظور حضرت خضر بوده باشه
2. یا میتونه علت اینگونه پاسخ این باشه که هیچ کسی حق نداره نا امید بشه، لذا حضرت خواسته اند یه جوری پاسخ بدن که کسی امیدواری و تلاشش کمرنگ نشه، پیرمردتر از شما هم حق نداره نا امید بشه

بله، تعیین وقت هم جزو یکی دیگه از آسیب هاست که به طور جدی باید با کسانی که وقت و زمانی برای ظهور مشخص می کنن برخورد کرد

 حجة الاسلام علمداری

 موضوع : آسیب شناسی

 تاریخ : زمستان 13 اسفند 95 هجری شمسی